

# زنان

سال سوم • بهار و آبان ۷۳ • ۷۲ صفحه • ۱۲۰ تومان

۲۰

ISSN: 1021 - 4054



## حقوق سیاسی زن در ایران از بهمن ۵۷ تا امروز

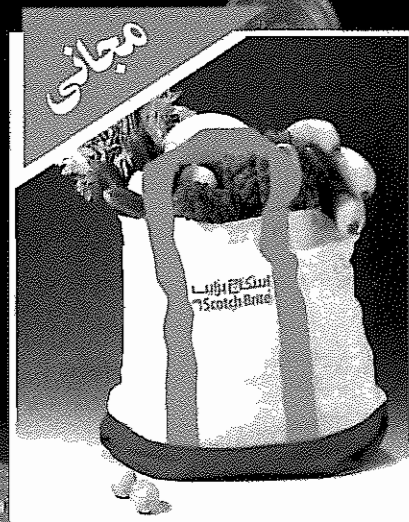
مجله زنان - شماره ۲۰ - بهار و آبان ۱۳۷۳ - ۷۲ صفحه - ۱۲۰ تومان

بیایا تا زر بر افشانیم ... فرصتی طلایی!

# اسکاچ برایت Scotch-Brite™



باعمری طولانی



معادل میلیونها رial سکه بهار آزادی  
و ۱۰۰۰۰ کیف خرید اسکاچ برایت  
هدایای استثنایی ...

شماره شناسنامه و محل تولد :  
تلفن تماس :

فرم شرکت در مسابقه اسکاچ برایت 3M

فرم تکمیل شده شرکت در مسابقه را همراه با سه عدد پاکت خالی اسکاچ برایت 3M اصل به تهران صندوق پستی ۸۱۹-۱۵۱۱۵ ارسال نمایید.



نام و نام خانوادگی :  
نشانی :

# زنان

سال سوم شماره ۲۰ مهر و آبان ۷۳



زنان نشریه‌ای است اجتماعی که یک بار در ماه منتشر می‌شود.

گزارش و خبر

چرا زنان منشی مطب می‌شوند؟ آزاده خاکزاد ۲

خبر: ۱۲

ادبیات

آخرین قطار (شعر): شهین حنانه ۱۱

شمارش (داستان): طاهره علوی ۲۶

پروین دولت‌آبادی و «بر قایق ابرها»: شهرام رجب‌زاده ۳۱

حوای کوچک (شعر): گراناز موسوی ۵۵

صدای مانا (شعر): شهناز چوپانکاره ۵۵

زن (داستان): خوان بوش، ترجمه مینا مهربان ۶۰

اندیشه

شرحی از نگاهی دیگر: عبدالعلی دستغیب ۵۶

... و این بار تیشه شیرین بر سنگ: پروین اردلان ۱۷

همسر، سوژه خوب، پرداخت... الهام خاکسار ۳۸

نقش هنر: سپیده خانبلوکی ۷۰

حقوق سیاسی زن در ایران از بهمن ۵۷ تا امروز: مهرانگیز کار ۱۸

فقه، زن، ارزشها: سیدمحسن سعیدزاده ۴۴

بچه بزرگتر! لیندا بورنستین، ترجمه ندا سهیلی ۱۴

عواطف و پرخوری: جسیکا اسنایدر ساچز، ترجمه مژگان رنگیدن ۲۸

تحول هویت جنسی در دختران: پاملا آشرست و زایدا هال، ترجمه شروین شمالی ۳۶

زهر تلخ عصبانیت: هریت وبستر، ترجمه زهره زاهدی ۴۱

موجودات ذره‌بینی در خانه و حساسیت بچه‌ها: ترجمه علی اندیشه ۵۲

زنان اروپایی و دنیای سیاست: ۶۶

حسادت، این حس دردناک و تحقیرآمیز: دکتر ناتانیل براندن، ترجمه مژگان سپهر ۶۸

معرفی کتاب: ۷۱

معرفی کتاب: ۷۱

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهلا شرکت

مدیر داخلی: رزا افتخاری

طراح گرافیک: کوروش شبگرد

امور مشترکین: شکوه اردلانی

حروفچینی کامپیوتر: معصومه رحیمی

چاپ رنگی: هادی، تلفن: ۳۱۱۲۵۸۶

چاپ متن: ممتاز، تلفن: ۳۱۱۸۰۳۲

صحافی: شاهد

روی جلد: کوروش پارساژاد

صندوق پستی: ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵

تلفن: ۸۳۶۴۹۸

فاکس: ۸۸۳۹۶۷۴

شماره سریال بین‌المللی: ۴۰۵۴ - ۱۰۲۱

License Holder & Editorial Director:  
Shahla Sherkat

Zanaan is a Persian-language  
journal published monthly.

Each issue contains articles and  
reports related to the women's  
problems.

زنان در زمینه فعالیت‌های، هنری، آموزشی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.

زنان در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

مطالب ارسالی بازگردانده نمی‌شود.

حقوق چاپ، انتشار و نقل مطالب، طرحها و عکسها برای مجله زنان محفوظ است.

# چرا زنان منشی مطب می‌شوند؟

آزاده خاکزاد



- چند ساعت کار می‌کنید؟
- از ۱۰ صبح تا ظهر و از چهار عصر تا هشت شب.
- چقدر حقوق می‌گیرید؟
- پنج هزار و ۵۰۰ تومان.

● مراجعه کنندگان شما زیادند؟  
○ در اینجا چهار دندانپزشک کار می‌کنند و من دستیار هر چهار دندانپزشک هستم. بعضی روزها مطب شلوغتر است. ولی به طور متوسط، بیش از بیست بیمار در روز پذیرفته می‌شوند.

● حداقل و حداکثر دستمزد دندانپزشکان چقدر است؟  
○ در مورد کار دندانپزشکی نمی‌توان رقم قطعی داد. در یک جلسه، کوچکترین کار ۵۰۰ تومان و بزرگترین کار در حدود ۱۰ هزار تومان است.

● چقدر حقوق می‌گیرید؟  
○ ۱۲ هزار تومان.

● از حقوقتان راضی هستید؟  
○ من هم منشی و هم دستیار هستم و از هشت‌ونیم صبح و تا نه شب کار می‌کنم. سی هزار تومان حقوق، حق من است. ممکن است من اصلاً هیچ احتیاجی هم به این حقوق

در کلینیک دندانپزشکی واقع در خیابان رسالت، خانمی را ملاقات کردم که علاوه بر منشیگری، دستیار هم است. به طور تصادفی و بدون وقت قبلی به سراغش رفتم، ابتدا نسبت به پاسخگویی تردید داشتم اما عاقبت دل به دریا زد و با گفت‌وگو موافقت کرد: ۲۳ ساله، دیپلمه و مجرد هستم. قبلاً مدتی فروشنده پوشاک بودم که برایم جالب نبود و الان دو سال است که اینجا کار می‌کنم.

● کارتان را با علاقه شروع کردید؟  
○ در ابتدا نه، ولی پس از دو سال برخورد با بیماران و تجربه‌های مختلفی که به دست آورده‌ام، احساس می‌کنم به کارم علاقه‌مندم.

● چند ساعت در روز کار می‌کنید؟  
○ پیش از ساعت ورود بیماران، ساعت ۸/۵ صبح برای روشن کردن دستگاهها و استریل کردن ابزار می‌آیم و ساعت پایان کار را هم نمی‌توانم پیش‌بینی کرد.

● منشیگری مطب پزشکان، سالهاست که به درست یا خطا، به عنوان حرفه خاص زنان شناخته شده‌است. هر چند که در سالهای اخیر به دلیل شیوع بیکاری و مشکلات اقتصادی، آقایان نیز به این شغل رو آورده‌اند اما هنوز برتری آماری در این زمینه از آن زنان و دختران است.

علی‌رغم تصور عمومی از درآمد بالای پزشکان، منشیهای مطب آنان با حرفه‌ای پر مشکل و کم‌درآمد درگیرند. برای بررسی وضعیت آنان به سراغشان رفتیم اما در بسیاری موارد با استقبال توأم با امتناع از گفت‌وگوی آنان مواجه شدیم. انگیزه این اجتناب، همین تنها دستاویز معاش بود و اضطراب از قضاوت و برخورد کارفرما. تنها گروهی که از نادیده گرفته شدن گلایه داشتند؛ از تهیه چنین گزارشی استقبال کردند. در چنین شرایطی، آنچه را فراهم آمده‌است می‌خوانید: █

## ● منشی متخصص قلب: «دکتری که قبلاً با او کار می‌کردم، به من به چشم دکوراسیون سالن انتظار نگاه می‌کرد و من آنجا نماندم.»

نداشته باشم اما دلیل ندارد که کاری را با حجم و مدت زیاد انجام دهم و حقوق متناسب با آن نگیرم.

\*

در ساختمان پزشکان واقع در سیدخندان، خانمی، منشی دو پزشک، یکی متخصص اطفال و دیگری قلب و عروق است. او با گرمی از گفت‌وگو استقبال می‌کند:

● چه شد که منشیگری را انتخاب کردید؟

○ من دانشجوی رشته روان‌شناسی هستم و در حین ادامه تحصیل باید کار هم بکنم. به نظرم کار مناسب برای من، همین کار منشیگری است.

● چند ساعت در روز اینجا هستید؟

○ از سه و نیم - چهار بعد از ظهر کارم را شروع می‌کنم. هر کدام از پزشکان روزانه حدود بیست مریض دارند و معمولاً تا هشت شب اینجا هستم.

● حق ویزیت چقدر است؟

○ چهارصد تومان.

● و حقوق شما؟

○ از هر پزشک سه هزار تومان حقوق می‌گیرم.

● خودتان با چقدر حقوق راضی هستید؟

○ هشت هزار تومان.

● بیمه هستید؟

○ نه، چون کمتر از یکسال است که در اینجا کار می‌کنم.

\*

در مقابل خانمی نشسته‌ام که سالها تجربه منشیگری دارد. مطب بسیار شلوغ است.

برای گفت‌وگو، ناگزیر وقت می‌گیرم. در ساعت مقرر، مطب کاملاً خلوت است:

۳۶ ساله، مجرد و دیپلمه هستم. انواع دیپلمه‌های دیگر را هم دارم؛ از تایپ و کامپیوتر تا دوره آرایشگری.

● کار شما فقط وقت دادن به بیماران است؟

○ نه. من دستیار دکتر هم هستم. بعضی بیماران که عمل کوچکی دارند و نمی‌خواهند در بیمارستان بستری شوند و هزینه گزافی بپردازند؛ در مطب، عمل سرپایی می‌شوند.

● در این گونه موارد با مشکلی هم مواجه می‌شوید؟

○ کار من هم به عنوان دستیار و هم به عنوان منشی ایجاب می‌کند که رفتار سنجیده‌ای داشته باشم. اینجا آدم با افراد مختلفی برخورد می‌کند و گاهی مسائل غیرمنتظره‌ای پیش می‌آید.

● چقدر حقوق می‌گیرید؟

○ برای منشیگری ده‌هزار تومان و برای عملهای سرپایی به عنوان دستیار، درصداً از هر عمل به من تعلق می‌گیرد.

● اگر موقعیت شغلی دیگری برایتان پیش بیاید، کار منشیگری را رها می‌کنید؟

○ نه، من تا الان از کارم بسیار راضیم. وقتی شخصیت و احترام آدم حفظ می‌شود و بالاخره حق زحماتش هم داده می‌شود، توقع دیگری وجود ندارد.

\*

در مطب یک متخصص قلب در حوالی ونک، دختر جوانی مشغول کار است. مطب بسیار شلوغ است و خانم منشی اتاق مجزایی را که در آن نوار قلب می‌گیرند، برای گفت‌وگو پیشنهاد می‌کند. پس از سپری شدن زمانی که طی آن کار مراجعان را انجام می‌دهند، بالاخره به اتاق نوار قلب می‌رویم تا صحبت را شروع کنیم. همزمان، بیماران برای گرفتن نوار قلب سر می‌رسند.

● می‌خواهید زمان دیگری را برای گفت‌وگو انتخاب کنیم؟

● الان بهترین فرصت است. ترجیح می‌دهم آقای دکتر اصلاً در جریان این گفت‌وگو قرار نگیرد.

● در مطب به عنوان یک منشی چه کارهایی می‌کنید؟

○ به بیماران وقت می‌دهم، حق ویزیت

می‌گیرم، تایپ می‌کنم و نوار قلب می‌گیرم. ● قبل از اینکه اینجا بیاید، جای دیگری هم کار می‌کردید؟

○ بله، در دو مطب دیگر هم کار می‌کردم ولی کارم را ادامه ندادم. پزشک اول به من به چشم دکوراسیون سالن انتظار نگاه می‌کرد و وقتی مطمئن شدم به خاطر مشخصات ظاهری و جوان بودنم مرا استخدام کرده، آنجا نماندم. پزشک دوم هم با وجودی که از این جهات برعکس بود، با حقوقی مرا استخدام کرد که ادامه کار برایم غیر ممکن بود.

● الان چقدر حقوق می‌گیرید؟

○ اینجا چون تازه مشغول کار شده‌ام هنوز حقوق نگرفته‌ام اما قرارم با دکتر این بود که از هشت هزار تومان بیشتر باشد.

● خودتان مایلید چقدر حقوق بگیرید؟

○ اگر دوازده هزار تومان بگیرم، راضی‌ام.

● به خانواده‌تان هم کمک مالی می‌کنید؟

○ اگر چیزی برایم باقی بماند. با این حقوقها و با توجه به اینکه در ماه، دوهزار تومان پول تاکسی می‌دهم؛ حقوقم فقط برای پول توجیبی خودم کفایت می‌کند. البته من از حقوق این کار انتظار خرید خانه و ماشین و این جور چیزها را ندارم. اما با این وضع برای رفع احتیاجات اولیه زندگی یا مثلاً یک مسافرت داخلی هم مشکل دارم.

● کارتان را دوست دارید؟

○ اگر صادقانه بخواهید، من اصلاً از این کار بدم می‌آید. این کار فاقد خلاقیت است و در نهایت هم با وجود اطلاعات شفاهی که آقای دکتر به من می‌دهند، تجربه‌ای که بتوانم به عنوان مهارت از آن استفاده کنم، به دست نمی‌آید. مجموعاً حس می‌کنم در کارم پیشرفتی ندارم. حتی اگر مدت‌های مدید هم اینجا کار کنم، باز هیچ وقت شرایط بهتری پیدا نمی‌کنم.

● با این اوصاف چرا این شغل را پذیرفته‌اید؟

○ برای اینکه در کنکور قبول نشدم و عملاً وقتم در خانه تلف می‌شد. ببینید من بیست‌وسه ساله و پرنرزی هستم و هنوز هم بزرگترین آرزویم رفتن به دانشگاه است. در



اینجا به هر حال، خوب یا بد، مشغول کار هستم و فکر می‌کنم همین تأمین پول توجیبی مختصر هم از دست دراز کردن پیش پدر و مادر بهتر است، چون آنها هم به هر حال مسائل و مشکلات مادی خودشان را دارند.

● دکتر معمولاً در روز چند بیمار دارد؟

○ بین بیست تا سی مریض.

● چقدر حق ویزیت می‌گیرد؟

○ بار اول که پرونده ندارند، با اکو و

تست، ۸۰۰ تومان و از بار دوم به بعد که

برایشان پرونده تشکیل می‌دهیم، ۷۰۰ تومان

حق ویزیت می‌دهند. ویزیت معمولی، ۴۰۰

● کارت‌تان چه جاذبه‌ای داشت که ماندگار شدید؟

○ از نوع کارم خوشم می‌آید چون با مردم ارتباط نزدیک دارم.

● در این مطب فقط به عنوان منشی کار می‌کنید؟

○ نه، نوار قلب هم می‌گیرم و به کارهای مطب، مثل پرداخت قبض آب و برق و

نظافت، نظارت دارم. به طور کلی مسئولیت اداره مطب بر عهده من است.

● چقدر حقوق می‌گیرید؟

○ ۱۰ هزار تومان.

○ پزشکی که برایش کار می‌کنم، ۷۰ ساله است و برایم حکم پدر دوم را دارد. آن قدر به او توجه دارم که حتی مرخصیه‌های سالیانه‌ام را با او تنظیم می‌کنم تا در این سن و سال زیر بار فشار و حجم زیاد کار، تنها نماند و با این همه توجه و تعهدی که در کارم دارم، طبیعی است که انتظار داشته باشم او هم مشکلات و موقعیت مرا درک کند.

● از بیماران، چه توقعی دارید؟

○ گرچه گاهی فکر کرده‌ام که کارفرمای من باید به مسائل من توجه کند اما هیچ وقت فکر نکرده‌ام که بیماران باید به من فکر کنند. من آنها را دوست دارم و هیچ توقعی از آنان ندارم.

● فکر می‌کنید اگر زمانی متأهل شوید و مجبور باشید بخشی از خرج خانه را نیز تقبل کنید باز هم می‌توانید فقط برای دلتان کار کنید؟

○ در چنین شرایطی، با دکتر صحبت می‌کنم و تقاضای افزایش حقوق می‌کنم.

● و اگر پاسخ منفی شنیدید؟

○ ریسک ازدواج با شرایط نامناسب مالی را قبول نمی‌کنم. از ازدواج صرف‌نظر می‌کنم.

● یعنی در ازدواج، بر خلاف کار، پول حرف اول را می‌زند!

○ منظور من چنین چیزی نبود. ممکن است من حاضر به ازدواج با شرایط محدود از نظر مالی شوم. در چنین شرایطی مطمئناً

● خانم منشی: «این کار فاقد خلاقیت است و در نهایت هم با وجود اطلاعات شفاهی که دکتر به من می‌دهد، تجربه یا مهارتی به دست نمی‌آورم.»



تومان و ویزیت بیمارانی که اکو و تست و نوار قلب دارند، چهار هزار تومان است.

✽

خانمی که در خیابان فاطمی منشی یک پزشک متخصص قلب است، می‌گوید: «دیلمه و ۳۱ ساله هستم. ازدواج نکرده‌ام با شش خواهر و دو برادرم زندگی می‌کنم و به جز مادرم، همه افراد خانواده کار می‌کنند. با انگیزه مالی کار نمی‌کنم و خانواده هم نیازی به کمک مالی من ندارد.»

● چند سال سابقه کار دارید؟

○ ۱۱ سال است که در این مطب کار

می‌کنم.

● از حقوقی که می‌گیرید راضی هستید؟

○ نه. من حداقل باید ماهیانه بیست و پنج هزار تومان حقوق بگیریم.

● با توجه به سابقه کارت‌تان و مسئولیتهایی که دارید چرا در مورد افزایش حقوق با دکتر صحبت نمی‌کنید؟

○ من همان طور که برای دکتر احترام فوق‌العاده‌ای قائلم، برای شخصیت خودم هم ارزش قائلم. اوایل کار، چند مرتبه به این موضوع اشاره کردم و وقتی دیدم جدی تلقی نشد، دیگر هیچ وقت موضوع را مطرح نکردم.

● فکر می‌کنید او باید نسبت به مسائل شما توجه نشان دهد؟

در انتخابم، معنویاتی را مدنظر قرار داده‌ام که کمبودهای مالی را برایم جبران خواهد کرد. ● به هر حال این کمبودهای مالی را باید به گونه‌ای جبران کنید.

○ خوب شاید آن وقت دیگر نتوانم فقط برای دلم کار کنم و مجبور شوم رابطه‌های معنوی دیگر را فدا کنم. نمی‌دانم.

✽

### متأهلها، مشکل دارترها

در مطب کوچک یک پزشک متخصص جراح استخوان، بیماران به هم‌فشرده، نشسته یا ایستاده‌اند. منشی ۳۵ ساله مطب، چهره‌ای بسیار خسته دارد. می‌گوید: «مهمترین انگیزه‌ام



اما علاوه بر منشیگری، تمام دستگاهها و ابزارهای معاینه را ضد عفونی می‌کنم، ملافه‌ها را به اتوشویی می‌برم و در اتاق معاینه هم دستیارم.

● به عنوان دستیار، حقوق مجزایی می‌گیرید؟

○ نه، همان حقوق اولیه ماند که ماند. شبهایی که مریض زیاد داریم و دکتر مثلاً باید برای بیمار آی. یو. دی بگذارد، من باید کنار دکتر باشم. بعد تمیز کردن و ضد عفونی کردن همه وسایل هم دوباره به عهده من است. دستهایم دائماً با خون و مواد ضد عفونی کننده

○ اولش قرار بود شش هزار تومان بگیرم اما روز قرارداد، دکتر پنج هزار تومان نوشت. ● هیچ یادآوری یا اعتراضی نکردید؟ ○ همان موقع گفتند اگر از کارت راضی باشم، حقوقت را زیاد می‌کنم. فکر کردم باید

کوتاه بیایم که فعلاً مشغول کار شوم. من ناچارم برای کمک به زندگی، کار کنم. از نظر محیط کار هم چون فقط با خانمها سروکار دارم خیلی راحت‌ترم. به علاوه به خانمها هم نزدیک است اما اگر کار پردرآمدتری پیدا کنم، اینجا نمی‌مانم. ● بالاخره موفق به گرفتن حقوق

در انتخاب این شغل، کسب درآمد و نزدیک بودنش به محل زندگی‌ام است. از ساعت سه تا حدود نه شب کار می‌کنم و شش هزار و پانصد تومان حقوق می‌گیرم.» ● بیمه هستید؟

○ نه، من در اینجا هیچ امکانی ندارم. گاهی حتی از پسی دوا و دکتر بچه‌هایم هم برنمی‌آیم.

● این حقوق باری از زندگی شما برمی‌دارد؟

○ مسلم است که نه، ولی ناچارم. قبلاً مربی پولک‌دوزی بودم و در خانه هم مرواریددوزی می‌کردم. کار دایمی با سوزن و نخ مرا خسته و بیمار کرد. میگرن شدید پیدا کردم و پزشکم کار با سوزن و نخ را قدهن کرد. به هر حال باید برای کمک به بودجه خانواده کار دیگری را شروع می‌کردم.

● ولی شما در حال صحبت با من هم دارید سوزن می‌زنید؟

○ به هر حال، هنوز هم این کار، شغل دوم من است و ناچارم در خانه هم همین کار را داشته باشم. چون مستأجرم و سه فرزند دارم.

● شغل شوهرتان چیست؟

○ کارگر تریکوباف است و فقط زمستانها کار دارد.

● در فصلهای دیگر چه می‌کند؟

○ دائماً دنبال کار است اما فعلاً که من باید خرجی خانه را تأمین کنم.



● یک روز دکتر گفت: «می‌دانم شما به عنوان یک خانم، از سرایداری که فعلاً کار نظافت مطب را به عهده دارد، دقیقترید، اگر مایلید مطب را نظافت کنید و حق الزحمه بگیرید.»

در تماس است و حساسیت پوستی پیدا کرده‌ام.

● تا چه ساعتی کار می‌کنید؟

○ قرارمان تا ساعت هشت بود اما اگر یک شب سر ساعت هشت بروم، فردایش دکتر با من سرسنگین می‌شود. معمولاً تا نه می‌مانم.

● فکر می‌کنید حقوقتان باید چقدر باشد؟

○ اگر همان ۱۲ هزار تومان تعیین شده از طرف وزارت کار را بگیرم، کاملاً راضی‌ام.

● درآمد مطب به طور متوسط چقدر است؟

○ حداقل ممکن، که خیلی به ندرت پیش

شش هزار تومانی شدید؟

○ بله، اما با ماجرا. بعد از چند ماه، یک روز دکتر گفت: می‌دانم که شما به عنوان یک خانم، از سرایداری که فعلاً کار نظافت مطب را برعهده دارد، دقیقتر هستید. اگر مایلید شما مطب را نظافت کنید و سه هزار تومان حق الزحمه بگیرید. در ازای این قول، هر روز مطب را مثل خانه خودم تمیز کردم. آخرماه سرایدار آمد و مدعی شد که دربی خبری مطلق، هر روز می‌آمده و مطب را تمیز می‌کرده است. نتیجه اینکه دوهزار تومان به سرایدار رسید و هزار تومان به من!

● پس الان فقط به بیماران وقت می‌دهید؟

○ نه، البته دیگر کاری به نظافت ندارم،

● دلتان می‌خواهد چقدر حقوق بگیرید؟

○ بالاخره اگر تا ده هزار تومان حقوق بگیرم شاید مشکلاتم کمتر شود.

\*

در حوالی مجیدیه، خانم ۲۸ ساله‌ای که منشی دکتر زنان است، می‌گوید: «متأهلم و یک پسر سه‌ساله دارم. شوهرم کارمند شرکت واحد است. یک هفته مادرم مسئول نگهداری فرزندم است و هفته دیگر شوهرم که کارش، چرخشی است. سالها در خیاطخانه کار کردم، چشمهایم ضعیف شد و آن کار را کنار گذاشتم. در خانه، تزریقات هم قبول می‌کنم.» ● با چه حقوقی استخدام شدید؟



می‌کنم. او نیز از حقوق کمی که می‌گیرد گله‌مند است. از او می‌پرسم که چرا در چنین شرایطی کارش را ادامه می‌دهد. او چنین اظهار می‌کند: «برای زنان انتخاب کار خیلی محدودتر از مردان است. بنابراین زنی که از نظر مالی نیازمند است، با حقوق ناچیز هم فکر می‌کند باید موقعیت را غنیمت بشمارد.»

✱

### بیماران کم‌لطف، منشی‌های کم‌حوصله

در مطب پزشکی جراح مغز، واقع در سیدخندان، انبوه بیماران منتظر تمام فضای سالن انتظار را پر کرده و گروهی نیز به پله‌ها و فضای بیرونی مطب کشیده شده‌اند. بالطبع در چنین شرایطی امکان گفتگو میسر نیست. با خانم منشی قرار گفت‌وگو را برای آینده می‌گذارم و بالاخره این فرصت به دست می‌آید:

○ ۳۱ ساله و مجرد هستم و با پدرم زندگی می‌کنم.

● چه شد که مشغول به کار شدید؟  
○ دوست داشتم در اجتماع باشم و استقلال مالی هم داشته باشم.  
● از موقعیت شغلی خودتان راضی هستید؟

○ نه چندان. متأسفانه هنوز گروهی فکر می‌کنند ما فقط عروسکیم و بود و نبودمان تأثیری در وضع هیچ کس ندارد.

● تجربه خاصی در این زمینه دارید؟  
○ من فقط به یک نمونه اشاره می‌کنم شخصی که داوطلب ازدواج با من بود، بعد از اطلاع از شغلم، تمایلش به ازدواج با من کم شد. من فکر می‌کنم لازم است که اهمیت شغل ما و ارزش آن برای مردم روشن شود.

● وظیفه شما در مطب چیست؟  
○ در این مطب، من ۴۰ هزار پرونده ر بایگانی کرده‌ام. دکتر از ساعت چهار به بعد در حدود ۴۰ مریض را ویزیت می‌کند. تاز ملاقات این تعداد بیمار در شرایطی است که من روزانه به بیش از ۱۰۰ نفر پاسخ منفی می‌دهم. معمولاً بیماران این مطب برای چهار



● مستأجرید؟  
○ بله، در دو اتاق زندگی می‌کنیم.  
● چقدر اجاره می‌دهید؟  
○ ۱۰ هزار تومان.  
● ساعت کارتان چقدر است؟  
○ از ۱۰ صبح تا ظهر و از چهار عصر تا هشت شب.  
● چقدر حقوق می‌گیرید؟  
○ پنج هزار و ۵۰۰ تومان حقوق.  
● پس چطور زندگی می‌کنید؟  
○ با گرفتاری و قرض و مکافات. همیشه بدهکاریم. دیگر نمی‌دانم چه باید بکنم. زندگی هم‌ماش شده بدبختی.  
● در همین مطب، با چقدر حقوق رضایت کامل دارید؟  
○ نمی‌دانم. ۱۰ - ۱۵ هزار تومان. جای دیگر دست کم ۱۰ هزار تومان حقوق می‌دهند.  
● پس چرا اینجا مانده‌اید؟  
○ گرفتارم، خانم. از طرفی هم اینجا محیطش سالم است و به خانم‌ها هم نزدیک است. دست کم پول کرایه ماشین نمی‌دهم.

✱

با یک منشی جراح استخوان صحبت

می‌آید، شبی شش - هفت هزار تومان. شبهایی که آی. یو. دی و از این قبیل کارها داریم، تا چهل هزار تومان. به طور متوسط دکتر شبی ۲۵ هزار تومان درآمد دارد.

✱

در مطب دکتر داخلی واقع در خیابان هلال‌احمر، از زرق و برق خبری نیست. اتاق انتظار، فضای نسبتاً وسیعی از ساختمانی قدیمی است. هنگامی که به خانم منشی می‌گویم برای تهیه گزارش آمده‌ام، خنثی نگاه می‌کند. نه تمایل به پنهان کردن مطلبی دارد و نه اشتیاقی به بازگویی موضوعی. کوتاه و مختصر جوابم را می‌دهد. چهل ساله و متأهل است و سه فرزند دارد.

● شوهر شما چه کاره است؟  
○ فعلاً بیکار است.  
● قبلاً چطور؟  
○ جوشکار بود.  
● فرزندان‌تان چه می‌کنند؟  
○ پسر بزرگم ازدواج کرده و دو پسر دیگرم سربازند.  
● پس در خانواده فقط شما شاغلید؟  
○ بله، شوهرم دنبال کار است. به سرباز هم که کار نمی‌دهند.

● دکتر ارتوپد: «وقتی ما که تحصیل کرده‌ایم، زیر بار گرانی خم شده‌ایم، نباید در مورد تأمین مالی منشی محتاط و حسابگر شویم.»



یا پنج ماه بعد وقت می‌گیرند.

● بیماران از اینکه شما این قدر دیر به آنها وقت می‌دهید ناراحت نمی‌شوند؟

○ این موضوع واقعاً ربطی به اهمال یا کم لطفی من نسبت به بیمار ندارد. من اگر مدیریت کافی نداشته باشم، حتی همان ۴۰ نفر هم عملاً موفق نمی‌شوند پیش دکتر بروند.

● خوب اگر بیماری در همان لحظه به پزشک نیاز داشت چه باید بکند؟

○ در مورد بیمارهای اورژانس، وضع فرق می‌کند. در مطبی که روزانه ۱۵۰ نفر وقت می‌خواهند؛ تنها راه، رعایت نوبت است.

● چنین استدلالی تا چه حد از نظر بیماران قانع کننده است؟

○ در تمام مطبهای شلوغ واقعاً راه دیگری وجود ندارد. بیماران خودشان باید به این موضوع توجه کنند اما ظاهراً قانع نمی‌شوند و دست آخر برای ما مشکل ایجاد می‌کنند.

● چگونه؟

○ با انواع و اقسام روشها، مثلاً تهدیدهای شفاهی یا فحاشیهای تلفنی. گفتش دردناک است اما بعد از اداره کردن مطبی که جای سوزن انداختن ندارد، این چنین در معرض فرسایش عصبی قرار گرفتن، کم لطفی بعضی بیماران است.

● دکتر را در جریان این برخوردها قرار داده‌اید؟

○ نه، دانستن یا ندانستن او که مشکلی را حل نمی‌کند.

● در حال حاضر از حقوقتان راضی هستید؟

○ من الان ۱۰ هزار تومان حقوق می‌گیرم. گرچه از نظر مالی کاملاً بی‌نیاز نیستم ولی هنوز جنبه مالی شرط اولم نیست.

● خودتان با چقدر حقوق موافقید؟

○ حقوقی که من می‌گیرم حتماً جای زیاد شدن دارد اما دکتر همیشه از جنبه‌های دیگر به کار و مسائل من توجه کرده‌اند. وقتی درخواست وام کردم، بلافاصله موافقت کردند و بعد هم مطلقاً حاضر به تسویه حساب نشدند. گاهی، زمستانها که مطب شلوغ است

و من مجبورم بیشتر بمانم، دکتر برای بازگشت من به خانه آژانس می‌گیرند تا در کوچه و خیابان مشکل پیدا نکنم. حمایت‌های معنوی هم که دیگر قیمت ندارد. ایشان همیشه در انتظار آن گونه رفتار می‌کنند که گویی بخشی از موفقیت شغلیشان بستگی به حضور من داشته‌است.

● پس شما از کاری که می‌کنید کاملاً راضی هستید؟

○ من نسبت به بیشتر همکارانم رضاع خوبی دارم، اما خیلی از آنها واقعاً مشکل دارند. دوست نزدیک من که برای دو پزشک کار می‌کرد و به سختی تحت فشار مالی بود، اگر در ازدحام مطب یادش می‌رفت از یک مریض ویزیت بگیرد، مجبور می‌شد یک چهار



راه دنبال بیمار بدود و اگر ناموفق برمی‌گشت، دکتر از حقوقش کم می‌کرد. این خانم زمانی که از پزشکان کارفرمایش درخواست افزایش حقوق کرد، هر پزشک ۲۵۰ تومان به حقوقش اضافه کرد!

● حقوق آن خانم چقدر بود؟

○ از دو پزشک پنج هزار تومان می‌گرفت که بعد شد پنج هزار و ۵۰۰ تومان. نتیجه اینکه نماند و رفت.

\*

یکی از واحدهای ساختمان پزشکان

واقع در خیابان مطهری، در ساعت پنج بعدازظهر، مملو از بیمار است. آقای منشی، در میان بقیه بیماران خسته، روی پله‌های مقابل در ورودی مطب، به انتظار نشسته است:

○ دو ساعت است که منتظرم.

● وقت قبلی داشتید؟

○ بله.

● می‌دانید چه وقت باید دکتر را ببینید؟

○ نه.

● با خانم منشی در این مورد صحبت نکردید؟

○ چرا، ولی این خانم آن قدر بداخلاق است که آدم جرأت نمی‌کند حرفی بزند. خوب اگر قرار است دکتر ساعت هفت مرا ببیند، چرا به من ساعت پنج وقت می‌دهد؟

● به نظر شما در این میان مقصر کیست؟

○ دکتر که تقصیری ندارد. بی‌توجهی از منشی است.

\*

خانمی با کودکی در آغوش، در مطب پزشک اطفال منتظر است. می‌پرسم:

● این مطب همیشه شلوغ است؟

○ نمی‌دانم. اولین بار است که به اینجا می‌آیم.

● چرا به دکتر قبلی مراجعه نمی‌کنید؟

○ آنجا هم شلوغ بود، هم منشی کم حوصله و بداخلاقی داشت.

● یعنی شما به خاطر بداخلاقی خانم

منشی، دکترتان را عوض کردید؟

○ تقریباً. از منشی قبلاً وقت می‌گرفتم اما هر وقت که می‌رفتم، باید با بچه مریض، ساعتها معطل می‌شدم. یکبار در سالن انتظار بچه‌ام را بغل کرده و منتظر ایستاده بودم. بچه‌ام به تابلوی روی دیوار دست زد. خانم منشی عصبانی شد و در حضور همه به من پرخاش کرد.

● راجع به این برخورد با پزشک صحبت نکردید؟

○ والا خود آقای دکتر هم آن قدر سرسنگین و بی‌حوصله بود که جرأت نکردم

● خانم منشی: «پزشک کارفرمای من مناعت طبع زیادی دارد و قدرشناس است و توجه و دقتم از دید او پنهان

نمی‌ماند.»

شوند.

به بیماران وقت دهد و خلاصه باید مطب باز باشد.

\*

● منشی شما وظیفه دستکاری هم دارد؟

○ گاهی به من کمک می‌کند.

● الان مثل اینکه مطب شما منشی ندارد؟

○ مدتی خواهرم، منشی مطبم بود که ازدواج کرد و رفت. بعد هم شخص دیگری را آوردم که او هم با تغییر محل سکونتش دیگر به کار در مطب ادامه نداد. در حال حاضر هم منشی ندارم.

● خوب اگر فکر می‌کنید کار منشی

چندان مهم نیست و فقط صرف هزینه اضافه است چرا منشی استخدام می‌کنید؟

○ مسلماً هر مطبی به منشی احتیاج دارد.

اما آنها هم نباید زیاد پر توقع باشند.

● یعنی درخواست یک حقوق معتدل

پرتوقعی است؟

○ ببینید، پزشکانی هستند که در شمال

شهر مطب دارند. صبح و عصر هم کار می‌کنند و تخصص‌هایشان هم امکان درآمد

خوبی را میسر می‌کند، ولی این موضوع

عمومیت ندارد. با اوضاع و ازیتهای فعلی، معمولاً درآمدهای چشمگیری وجود ندارد و

منشی یک دکتر ارتوپد در این مورد می‌گوید: «اصلاً منشی باید انگیزه و علاقه داشته باشد، منشیهایی که با بیماران برخورد منفی دارند، به طور حتم فاقد این انگیزه هستند.»

● خود شما تا حالا چنین برخوردهایی با بیماران نداشته‌اید؟

○ به هر حال در کار ما، همه نوع برخوردی به وجود می‌آید. من فقط یک بار از

دست بیمار عصبانی شدم. آن هم به این دلیل

بود که آن شخص مدعی شد من بیماری را بدون نوبت پیش دکتر فرستادم. به آن بیمار

گفتم: من تنها چیزی که می‌توانم به شما بدهم، صداقتم است. وقتی صداقت مرا باور

نداشته باشید، واقعاً می‌رنجم. امکان ندارد

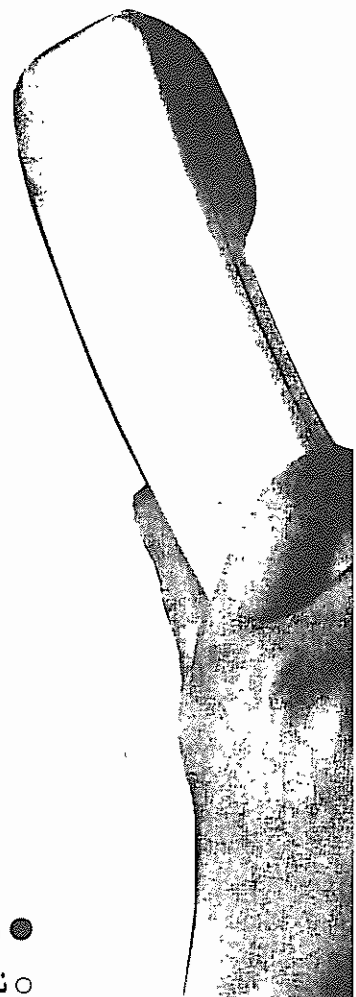
بیماری را حتی اگر فامیل یا آشنای دکتر باشد، بدون نوبت راه دهم. بنابراین در مقابل

چنین بهتانی، طبیعتاً ناراحت می‌شوم.

\*

● بیمه هستید؟

○ نه، من در اینجا هیچ امکانی ندارم. گاهی حتی از پس دوا و دکتر بچه‌هایم هم بر نمی‌آیم.



### ◀ استدلال پزشکان

با تنی از پزشکان هم به گفت‌وگو نشستیم تا ببینیم آنها بر اساس چه ضوابطی منشی خود را انتخاب می‌کنند، چه توقعاتی از آنها دارند و دلایشان برای تعیین میزان حقوق آنها چیست.

دکتر دندانپزشکی می‌گوید: «من ترجیح می‌دهم که منشی‌هایم از میان بازنشستگان دولت باشند. در این صورت از پرداخت حق بیمه آنان معاف خواهیم بود!»

● چنین افرادی انرژی لازم برای اداره مطب را دارند؟

○ بله. منشیگری کار چندان دشواری نیست.

● منشی شما چه ساعتی به مطب می‌آید؟

○ معمولاً قبل از من می‌آید. چون باید تا حدودی وسایل کار مرا منظم کند و در ضمن

حرفی بزمن و دوباره سرزنش شوم.

\*

منشی جراح مغز و اعصاب در مورد نحوه ارتباط با بیماران می‌گفت: شاید از نظر بیماران، من زیاد خوش برخورد نباشم. رفتار من با بیماران همیشه توأم با رعایت فاصله بوده است. احساس می‌کنم بیماران خوششان می‌آید با منشی اختلاط و درد دل کنند. من ترجیح می‌دهم بیش از نیاز کاریم با کسی مرتبط نشوم.

● رفتار صمیمانه با بیماران چه اشکالی دارد؟

○ اول از همه مریض توقع پیدا می‌کند که به محض ورودش ویزیت شود یا مثلاً هر وقت زنگ بزند، فوراً وقت بگیرد. بیماران معطل

ما هم باید از صرف هزینه‌های اضافه پرهیز کنیم.

● مگر دندانپزشکی درآمد ندارد؟

○ درآمدها ارتباط مستقیم با گرانی و تورم دارد. قیمت مواد مورد نیاز دندانپزشکی نسبت به سال گذشته ۱۰ برابر شده است.

● شما که روند رشد گرانی را ظرف

یکسال، ۱۰ برابر تخمین می‌زنید؛ فکر نمی‌کنید همین تورم و گرانی در زندگی منشی شما هم موثر بوده است؟

○ من شتاب افزایش قیمت‌ها را به طور

مستقیم روی دستمزد بیماران تأثیر ندادم. من نمی‌توانم دندان‌ها را که پارسال مثلاً با ۳۵۰

تومان می‌کشیدم، یکمترتبه به دوهزار تومان افزایش دهم یا نرخ پر کردن دندان را ۱۰ برابر کنم.

● در حقیقت رعایت بیماران را



کرده‌اید؟

○ بله، به طور حتم.

● شما که بر رضایت تک تک بیماران تأکید دارید، ناراضی‌نمشی را بی‌اهمیت قلمداد می‌کنید؟

○ ببینید مطب یک محل خصوصی است و یک پزشک باید در جهت رضایت بیمار تلاش کند. من اگر با رشد تورم، قیمت‌ها را بالا ببرم؛ بیماران پراکنده خواهند شد.

● یعنی فکر می‌کنید منشی شما باید جوابگوی این تورم باشد؟

○ نه. من مقدار زیادی از توژم را با اضافه‌کاری و حذف بعضی از هزینه‌های مطب جبران کرده‌ام، مانند صرف‌نظر کردن از منشی. هر کسی، از جمله یک منشی، از کارش انتظار تأمین مالی دارد. وقتی سوددهی درآمد مطب به اندازه‌ای نیست که من بتوانم منشی را از این جهت راضی کنم، ترجیح می‌دهم از داشتن منشی صرف‌نظر کنم.

● منشی‌های شما بیمه بوده‌اند؟

○ من فکر می‌کنم بهتر است به جای پرداخت بیمه‌ای که در نهایت اداره بیمه از آن

در مورد منشی‌های مطب ضروری است.

\*

○ یک متخصص کودکان می‌گوید: «یک منشی خوب باید بتواند با بیمارانی که فرهنگ‌های مختلفی دارند، ارتباط برقرار کند و کنار بیاید.»

● این سازش، به نظر تان تا چه حد قابل حصول است؟

○ البته آسان نیست.

● پس کار آنها تا این حد حساس است؟

○ بله. مسلم است. یک منشی خوب بر تمام امور مطب یک پزشک نظارت دارد.

● با توجه به حساسیت کار منشی‌گری، آیا فکر می‌کنید آنها نباید از کاری که می‌کنند توقع مالی داشته باشند؟

○ من توقع مالی را در اینجا نسبی می‌بینم. ممکن است خانمی با هشت هزار تومان حقوق، بر اساس روحیه یا نیازش، قانع نشود و خانم دیگری با همان میزان کار، با حقوق کمتر راضی شود. اما نکته مهم در اینجا درآمد خود پزشک است.

● چه طور؟ مگر درآمد پزشکان کم

ارتباط نزدیک با جریانات علمی روز باشد. من برای شرکت در کنگره علمی خارج کشور که لازمه کارم است مجبور شدم حدود یک میلیون تومان برای ۱۰ روز هزینه بردارم. آیا انتظارات مالی خود پزشک که درگیر مستقیم با مشکلات بیماران است و ۳۰ سال درس خوانده است، تأمین شده که منشی چنین انتظاری دارد؟

● و تاوان را باید منشی شما بردازد؟

○ توجه کنید که منشی‌گری شغل دوم افراد است و هیچ‌کس از حقوق منشی‌گری نباید انتظار تأمین زندگی را داشته‌باشد. من با شناختی که از امکانات مالی پزشکان دارم؛ هیچ جایی برای این طلبکارها و اظهار نگرانی‌های نابجا نمی‌بینم چون این طرف قضیه هم خالی است.

\*

یک متخصص قلب می‌گوید: «مسأله این است که کلاً یک پزشک، از ساعت دوونیم بعدازظهر تا ساعت ۱۰ شب کار می‌کند. اجاره مطب و بقیه هزینه‌ها که از کل درآمدش

● در این مطب فقط منشی هستید؟

○ نوار قلب هم می‌گیرم و به کارهای مطب، مثل پرداخت قبض آب و برق و نظافت نظارت هم دارم.

ذی‌نفع می‌شود؛ پول بیمه را به خود منشی بدهم.

● اما این کار در دراز مدت به نفع خود منشی نیست. برای شما چه فرق می‌کند که پول را به چه کسی بدهید؟

○ منشی‌ها به طور حتم به پول‌هایی که از مردم می‌گیرند و به دست پزشک می‌دهند، توجه می‌کنند. اینکه یک پزشک مجبور به پرداخت اجاره بهای مطب، تهیه مواد اولیه و بسیاری هزینه‌های دیگر است، از نگاه منشی‌ها پنهان می‌ماند. مطب من در هفته، دو روز تعطیل است و ساعات کاریم هم محدود است. منشی من اگر در محل دیگری، هفته‌ای ۴۰ ساعت کار کند، کارفرمایش باید همین بیمه و مالیاتی که من موظف به پرداخت هستم، بردازد. بنابراین مثلاً تغییر قوانین بیمه

است؟

○ با شتاب گرانی موجود و نظارت شورای اقتصاد بر نرخ ویزیتها و احتساب مالیات و اجاره مطب و هزینه‌های دیگر، درآمد یک پزشک کاملاً قابل برآورد است.

● خوب مگر منشی‌ها هم با همین تورم و گرانی مواجه نیستند؟

○ خطای عمده آنجاست که همه از پزشک انتظار دارند چاره‌جو و مشکل‌گشا باشد و به تنهایی همه مشکلات دیگران را حل و فصل کند، در حالی که هیچ‌کس به پزشک فکر نمی‌کند. من به عنوان کسی که قرار است بیمار، مداوا و معالجه کنم و آدم نجات بدهم، نیاز به امکاناتی دارم که همه به شکل فشار مالی، تحمیل کننده است. یک پزشک با مشکلات مالی، مطب راه می‌اندازد ولی هنوز هم باید مطالعه‌ای همه جانبه داشته‌باشد و در

کسر می‌شود، می‌بیند که درآمدش، نه قابل مقایسه با ساندویچی بغل مطب است، نه با درآمد آهنگر محل و نه با بسیاری از بیماران خودش برابری می‌کند.

● منشی خود را چگونه انتخاب می‌کنید؟  
○ ما از میان همین دیپلمه‌هایی که بیکار هستند و می‌آیند یکی - دو سال منشی هستند و بعد شوهر می‌کنند و می‌روند، منشی پیدا می‌کنیم. پول بیمه‌شان را می‌دهیم و مالیات هم می‌دهیم. منشی‌گری اصلاً کار موقتی است. درآمد ما واقعاً زیاد نیست. آنها هم به محض اینکه کار بهتری پیدا کنند، می‌گذارند و می‌روند.

● منشی شما، دستیار شما هم هست؟

○ بله در بعضی امور، کارهایی انجام می‌دهد.

● برای اجتناب از هزینه‌های اضافی، از





### ● کارت‌ان چه جاذبه‌ای داشت که ماندگار شدید؟

○ از نوع کارم خوشم می‌آید چون با مردم ارتباط دارم.

منشی صرف‌نظر نمی‌کنید؟

○ کار مطب که بدون منشی انجام نمی‌شود!

● در حال حاضر به منشی‌تان چقدر حقوق می‌دهید؟

○ منشی باید روزانه هشت ساعت کار کند تا مطابق قانون وزارت کار، مبلغ تعیین شده‌ای بگیرد، یعنی حدود ۱۱ هزار تومان. اما منشی من با وجودی که روزانه هشت ساعت کار نمی‌کند، تلاش کرده‌ام حقوقش را به حقوق قانونی برسانم و حق بیمه‌اش را هم به طور مجزا می‌پردازم.

✱

با دکتر ارتوبدی به گفت‌وگو نشستیم. وی عقیده داشت: «ممکن است قانون یا وزارت کار، میزانی را به عنوان حقوق برای منشیها در نظر گرفته باشد، اما توجه کنیم که این میزان حداقل دستمزد است و یک منشی هم مانند هر فرد دیگری به هر حال در شرایط فعلی این جامعه زندگی می‌کند و باید بتواند تا حدودی مشکلات خود را رفع کند.

● چرا فکر می‌کنید یک پزشک باید به مسائل و مشکلات منشی‌اش توجه داشته باشد؟

○ پزشکی که نسبت به مسائل رفاهی منشی‌اش بی‌تفاوت است، پزشک موفقی نیست. بعضی پزشکان سالی یکی - دو بار منشی عوض می‌کنند. تصور من این است که منشی، عامل بخشی از موفقیت مطب، چه در مورد بیمارها و چه برای خود پزشک است. بنابراین حتی اگر بخواهیم، گرانی را بهانه قرار دهیم، قضیه توجیه نمی‌شود. وقتی ما که جزء تحصیلکرده‌ها هستیم و همه فکر می‌کنند باید درآمد و رفاه بسیار خوبی داشته باشیم؛ زیر بار گرانی خم شده‌ایم، نباید وقتی نوبت به تأمین

مالی منشی‌مان رسید، محتاط و حسابگر شویم و خیال کنیم که او فقط برای سرگرمی کار می‌کند یا کارش ساده و بی‌مسئولیت است.

● از منشی‌تان چه توقعی دارید؟

○ اصلاً فکر اینکه منشی باید مریض جلب کند، فکر درستی نیست. ما از منشیها چنین انتظاری نداریم. وظیفه منشی تفهیم ارزش زمان به بیماران است. ما فقط از منشی انتظار داریم که در برخورد با مریض بتواند به او آرامش و اعتماد به نفس دهد و وقت را تنظیم کند.

● تا حالا شده که مریضهای شما از برخورد منشی‌تان به شما گله کنند؟

○ بله. در طول سالهای طبابتم چنین مواردی هم بوده‌است. البته غالباً مریضهای آشنا به خودشان اجازه چنین کاری می‌دهند. به هر حال بیماران، پزشک خود را به خاطر یک یا دو برخورد اشتباه منشی رها نمی‌کنند. اما طبیعی است که من هم مایلم مریضهای من احساس راحتی کنند و وقتی به مطب من می‌آیند مشکلی نداشته باشند.

● در مقابل این گله‌ها شما نسبت به منشی چه عکس‌العملی نشان دادید؟

○ هیچ. معمولاً پس از مدتی کار با منشی، دقیقاً خلق و خوی او را می‌شناسم و بیشتر در این میان، بیماران را مقصر می‌دانم. زیرا عمده شکایات بیماران، در مورد وقت دادن و منتظر ماندن است. یک منشی در روز با انواع روحیات و حتی زیاده‌خواهیها مواجه می‌شود. بالاخره او هم یک انسان است. گاهی خسته‌تر است و گاهی صبورتر.

● به منشی‌تان چقدر حقوق می‌دهید؟

○ این را از خود خانم منشی پرسیدم. از ایشان خواهم پرسید، لطفاً شما هم بگویید.

○ ۲۰ هزار تومان. با بیمه‌ای که می‌پردازم در حدود ۲۵ هزار تومان.

● اجازه می‌دهید با خانم منشی‌تان هم صحبت کنم.  
○ با کمال میل.

✱

خانم منشی گرچه در جریان مستقیم موضوع گزارش نبود اما با رغبت پیشنهاد مصاحبه را پذیرفت. هنگامی که از انگیزه‌هایش برای انتخاب این شغل پرسیدم، پاسخ داد: «من در کنار نیازی که به درآمد مالی دارم، به فعالیت اجتماعی نیز علاقه‌مندم. ۱۸ سال است که دیپلم گرفته‌ام و فقط در دو جا کار کرده‌ام.»

● در حال حاضر از کارت‌ان رضایت دارید؟

○ کاملاً. من در همکاری با دکتر و از طرفی به خاطر نوع کارم بینش و تفکر روشنی پیدا کرده‌ام و از حیث درآمد هم کاملاً راضیم.

● حقوق‌تان چقدر است؟

○ با بیمه، ۲۵ هزار تومان.

● در کنار منشی‌گری، دستیار هم هستید؟

○ نه. دستیار پزشک باید تخصص داشته باشد. من به بیماران وقت می‌دهم و تنها در سالن انتظار با آنان مرتبطم. این را هم اضافه کنم که خودم می‌دانم دستمزد از حقوق متعارف همکارانم بیشتر است.

● از اول به این کار علاقه‌مند بودید؟

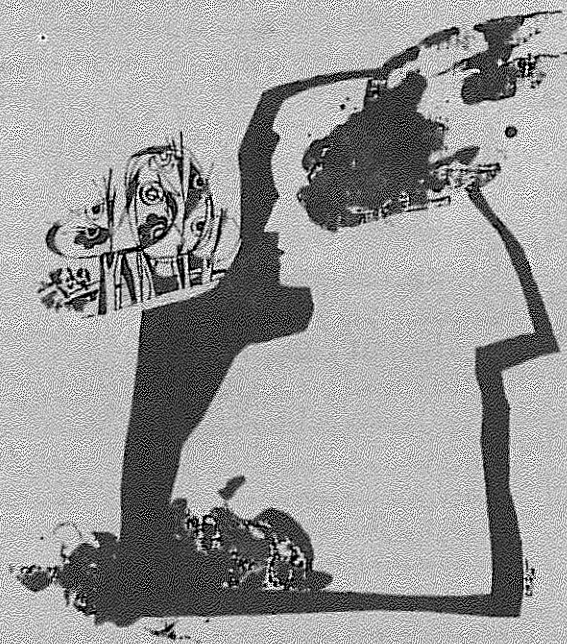
○ قبلاً تصور می‌کردم منشی‌گری کاری کسالت‌آور و بی‌تحریک است. اما پس از مدتی کار در فضای اینجا، فهمیدم که به تعداد بیماران، روحیات و مشکلات مختلف وجود دارد و شخص در موقعیت منشی به وضوح این تفاوتها را می‌بیند و می‌تواند با بیماران و نوع کارش برخورد فعالی داشته باشد.

● از ابتدا با حقوق بالا استفاده شدید؟

شهرین حنانه

## آخرین قطار

گفنی که می آیم  
در یک غروب  
با آخرین قطار  
تا آخرین ایستگاه  
تا تو  
من رنگهای سرخ را  
برابرها می باشم  
شاید تو زودتر برگردی ■



○ نه. تدریجاً اضافه شد.

● فکر می کنید چرا حقوقتان نسبت به دیگران زیاد است؟

○ پزشک من مناعت طبع زیادی دارد و قدرشناس است. در مقابل، من هم منشی وظیفه شناسی بوده ام و دلسوزانه کوشیده ام توجه و توانم را معطوف به مطب و بیماران کنم. منشیگری، کار ساده ای نیست. به هر حال روحیه ای خاص می طلبد.

● چه کارهایی در مطب به عهده شماست؟

○ من خودم مایلم که بر یک سری کارهای مطب نظارت کنم و البته این را بگویم که توجه و دقتهای این چنینی، از دید دکتر پنهان نمی ماند و طبعاً او هم رعایت مرا می کند.

● رابطه شما با بیماران چگونه است؟

○ بسیار عادی. بیماران را دوست دارم.

● بیماران چه تصویری در مورد کار شما

و خودتان دارند؟

○ بسیاری از همراهیهای من با دکتر، داوطلبانه است. در مورد بیماران هم همین روحیه را دارم. گاهی حتی به بیمارانی که در بیمارستان بستری می شوند، سر می زنم و آنها هم از دیدنم خوشحال می شوند. آنها حس قلبی مرا به خوبی درک می کنند و در رفتارشان، این باور را نشان می دهند. بیماران شهرستانی، که اکثراً باغدار و کشاورزند، گاهی که به دیدن دکتر می آیند، برای من میوه سوغات می آورند. اینکه بیمار در شهر یا روستایش به فکر من بوده است، برایم دلچسب و لذتبخش است. من فکر می کنم مردمی که به اینجا می آیند، مشکل دارند. حداقل این است که دردمندند و به کمی مدارا نیاز دارند و معمولاً پاسخ این مدارا را با لطف و محبت می دهند ■

# خبر

## ◀ پست قضاوت برای بانوان فارغ التحصیل رشته‌های قضایی

اخیراً لایحه‌ای به مجلس شورای اسلامی برده شده که طبق آن بانوان می‌توانند با پستهای قضایی در دادگاهها استخدام شوند. بنا به اظهارات مدیر کل کارگزینی دادگستری کل کشور با تصویب این لایحه طی دو ماه آینده، بانوان فارغ التحصیل در رشته‌های قضایی به عنوان مشاور محقق در دادگاهها مشغول به کار خواهند شد. تاکنون تنها ۴۰ نفر از بانوان فارغ التحصیل رشته‌های قضایی به صورت قراردادی در دادگاهها به کار مشغولند.

## ◀ طرح بازنستگی زنان کارگر

کلیات طرح بازنستگی زنان کارگر با ۲۰ سال سابقه کار به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. براساس این طرح، زنان کارگر همچون زنان کارمند پس از ۲۰ سال کار، بدون شرط سنی می‌توانند بازنشسته شوند.

بنا به گفته مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی این طرح در مرحله اول ۱۵ هزار زن کارگر را شامل می‌شود و بالغ بر ۲۰۰ میلیارد تومان برای صندوق تأمین اجتماعی هزینه در برخواهد داشت. وی همچنین اظهار داشت که پرداخت این هزینه در توان سازمان نیست و از این رو سازمان تأمین اجتماعی برای اجرای طرح مذکور نیاز به مشارکت دولت دارد. کلیات لایحه مزبور فعلاً به

تصویب رسیده است و قرار است جزییات آن در شور دوم مجلس به بحث گذاشته شود.

## ◀ نمایشگاه سفال و نقاشی نابینایان

دومین نمایشگاه سفال و نقاشی دانش آموزان مدرسه دخترانه نابینایان تهران در فرهنگسرای آزادی برپا شد.

این نمایشگاه پانزدهم شهریور افتتاح شد و تا پایان شهریور که خاتمه یافت، همچنان مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت.

در این نمایشگاه ۲۸۰ اثر سفال و ۲۰۵ تابلوی نقاشی با مضامینی چون طبیعت بی‌جان، گل و گیاه، تصاویر خیالی از مریبان و معلمان، با عنوان «هستی و طبیعت، در قالبی از نادیده‌ها» به تماشا گذاشته شد.

نخستین نمایشگاه آثار جمعی دختران نابینا، دی‌ماه گذشته در مدرسه دختران نابینا برگزار شده بود. مهوش سپهر و لیلا آشتیانی‌پور، مریبان سفال و نقاشی این دختران نابینا بودند.

## ◀ معافیت مدهای کودک و مؤسسات توانبخشی از پرداخت مالیات

مجلس شورای اسلامی پس از بررسی لایحه معافیت مالیاتی کلیه مؤسسات خصوصی شاغل در امور مربوط به حمایت و توانبخشی معلولان و ارائه خدمات به عقب‌ماندگان ذهنی و انجام خدمات در شبانه‌روزیها و مهدهای کودک،

ماده واحده آن را به شرح زیر به تصویب رساند:

کلیه مؤسسات خصوصی که با مجوز سازمان بهزیستی کشور امور مربوط به حمایت و توانبخشی معلولان و ارائه خدمات به عقب‌ماندگان ذهنی و انجام خدمات در مراکز روزانه و شبانه‌روزیهای نگهداری معلولین و کودکان بی‌سرپرست را به عهده دارند و همچنین مهدهای کودک از پرداخت مالیات بردارآمد معاف می‌باشند مشروط بر اینکه سازمان مذکور بردارآمد و هزینه آنها نظارت داشته و مؤسسات فوق، حداقل ظرفیت ۱۰ درصد از مددجویان خود را بدون دریافت هرگونه دستمزد به افراد معرفی شده از طرف سازمان بهزیستی اختصاص دهند. این قانون نسبت به عملکرد منتهی به سال ۱۳۷۳ و بعد از آن جاری خواهد بود.

## ◀ سومین دوره نخست‌وزیری باندرانایکه

خانم سیریمای باندرانایکه برای سومین بار به مقام نخست‌وزیری سریلانکا منصوب شد.

خانم چاندیریکا کوماراتگار که پنج‌شنبه گذشته، از طریق انتخابات به مقام ریاست جمهوری سریلانکا دست یافت؛ مادر خود، سیریمای باندرانایکه را به عنوان نخست‌وزیر برگزید.

سیریمای که ۷۸ سال دارد، پس از ترور همسرش در سال ۱۹۶۰ برای اولین بار به نخست‌وزیری رسید. وی احتمالاً در چند روز آینده به همراه اعضای کابینه این کشور سوگند یاد خواهد کرد.

## ◀ زنان ورزشکار در هیروشیما

زنان آسیایی در بازیهای آسیایی ۹۴، تقریباً در تمامی رشته‌های ورزشی، حتی وزنه‌برداری و فوتبال که ویژه آقایان است، شرکت جستند و نتایج چشمگیری نیز به دست آورده‌اند.

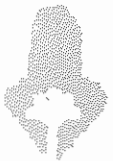
این بازیها نشان داد که زنان آسیایی درصددند در بسیاری از رشته‌ها برتری به دست آورند. در این بازیها تنها ورزشکاری که موفق به کسب پنج مدال طلا شده است، یک زن ژیمناست چینی به نام موکولی لان است که با کسب یک مدال برنز، جمعاً به شش مدال دست یافته است.

## ◀ یک بازیگر زن فرانسوی و مسئولیت حفظ میراث سینمای جهان

کاترین دونوو، بازیگر سرشناس فرانسوی، از سوی مؤسسه علمی - فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) به عنوان «سفیر حفظ میراث سینمای جهان» برگزیده شد.

این بازیگر ۵۱ ساله، که از ۱۳ سالگی بازیگری را آغاز کرد، در دهه ۱۹۶۰ از معتبرترین ستاره‌های سینمای فرانسه بود. به نظر می‌رسد اعتبار بین‌المللی او، عامل مهمی برای این انتخاب بوده است.

میراث سینمایی جهان، در معرض آسیبهای گوناگون است. در حالی که آمار غیررسمی از نابودی نیمی از فیلمهای تولیدشده در قبل از سال ۱۹۵۰ حکایت می‌کند و گفته می‌شود که نسخه‌ای از آنها موجود نیست، قبول عنوان سفیر حفظ میراث سینمای جهان، وظیفه سنگینی را بر



دوش ری خواهد گذاشت. او از این پس برای پیدا کردن نسخه‌های قدیمی فیلمها به کشورهای مختلف دنیا سفر خواهد کرد.

## ◀ ترک یک عادت خطرناک

طبق بررسیهای آماری، مرگومیر کودکانی که به روی شکم خوابانده می‌شوند، بیشتر از کودکانی است که به پهلو و یا طاقباز خوابانده می‌شوند.

سالیان دراز به والدین توصیه می‌شد طبق یک روش قدیمی نوزادان خود را به روی شکم بخوابانند تا در صورت برگرداندن شیر، بچه بتواند نفس بکشد و از خفگی نجات یابد. امروزه آمار نشان می‌دهد که مرگ ناگهانی اطفالی که بر روی شکم خوابانده می‌شوند، میزان بالاتری دارد. برای این گفته، هنوز استدلال مشخصی ارائه نشده است و تنها حاصل یک نتیجه‌گیری آمار است. البته طاقباز خواباندن و یا به پشت خواباندن اطفال نمی‌تواند خطر مرگ را صد در صد برطرف کند، بلکه فقط درصد وقوع آن را کاهش می‌دهد.

تنها دلیل مشخص شده برای از بین رفتن این کودکان این است که چون اکثر والدین، بچه‌ها را روی تشک یا بالش نرم و به حالت دَتر می‌خوابانند. در این حالت بچه می‌تواند نفس بکشد اما به دلیل گود بودن بالش یا تشک، در حین تنفس، دی‌اکسیدکربن در اطراف بینی جمع شده و چون راه خروج چندان زیادی ندارد، دوباره با تنفس کودک به داخل ریه فرستاده می‌شود و موجب خفگی او می‌گردد.

## ◀ بهداشت روانی زنان

بنا به گزارشهای مرکز اطلاعاتی ملبورن و مرکز مشاوره امور بهداشتی، زنان بیش از مردان با مشکلات بهداشت روانی مواجهند و به امکانات بهداشت بیشتری در این زمینه نیازمندند.

این گزارش نشان می‌دهد که فقر، موقعیت اجتماعی پایین و خشونت در خانواده از عوامل افزایش‌دهنده فشار روحی در زنان می‌باشند. زنان در هنگام کودکی بیش از مردان مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند. یک پنجم چنین کودکانی در سنین جوانی، ناسازگاریهای روانی و رفتاری جدی از خود بروز می‌دهند.

این گزارش نشان می‌دهد که حاملگی، فشار روحی مضاعفی را بر زنان وارد می‌کند، سقط جنین و مرده به دنیا آوردن نوزاد نیز اثرات منفی بسیاری بر سلامت و بهداشت روانی آنان دارد.

## ◀ آنجلازوکوفسکی، رئیس رادیو و تلویزیون بین‌المللی کاتولیکی

آنجلازوکوفسکی که مسئول مرکز ارتباطات مذهبی در ایالت اوهایوی آمریکا، مشاور شورای رسانه‌های جمعی واتیکان و تولیدکننده ویدئو کاست برنامه‌های مذهبی برای کشیهای کاتولیک و مدارس است، به عنوان رئیس سازمان بین‌المللی رادیو و تلویزیون کاتولیکی انتخاب شد.

کنگره جهانی سازمانهای بین‌المللی رسانه‌های جمعی کاتولیکی که تحت عنوان «کرامت انسانی در یک فرهنگ رسانه‌ای» به مدت چهار روز در پراگ برگزار شده بود، برای مدت چهار سال، زوکوفسکی را به عنوان رئیس این سازمان بین‌المللی برگزید. انتخاب یک زن در چنین مقامی، در طول تاریخ مسیحیت بی‌سابقه است.

## ◀ وضع اسفبار زنان

### نپالی

روسپیگری در نپال غیرقانونی است و هیچ مکان مشخصی به نام خانه فساد در این کشور وجود ندارد اما دزدیدن دختران و تجارت زنان در آن ریشه عمیقی دارد و بسیار حادثتر از آن است که در ظاهر به نظر می‌رسد.

تجارت دختران، کار سازمان یافته‌ای است که به دست دلالتان محبت و دیگر خلافکاران انجام می‌گیرد و در سرتاسر نپال گسترش دارد.

دختران کم سن و سال از کوهستانهای دوردست به قیمت گزافی به خانه‌های فساد در شهرهای بزرگ هند فروخته می‌شوند. در حال حاضر حدوداً دو هزار دختر نپالی که تقریباً هشت تا ۱۰ درصد زنان جوان نپال را تشکیل می‌دهند، در خانه‌های فساد هند به سر می‌برند. فقر شدید، زمینه را برای تجارت دختران

مساعدتر کرده است. دختران کم سن و سال و بی‌بیم در خانواده‌های فقیر با امیدهای واهی شغل یر درآمد و ثروت سرشار به دام انداخته می‌شوند و به طور غیرقانونی به خارج از نپال برده می‌شوند. این زنان آلوده به بیماری ایدز و دیگر بیماریهای مقاربتی، در بازگشت به کشور، سلامت عمومی جامعه را تهدید می‌کنند.

پانولین اودی، بانوی سوندی که در بخش نپالی یونسکو کار می‌کند، در آخرین کتابش عمق فاجعه را نشان داده است. او نتیجه پژوهشهای چندین سازمان مددکار اجتماعی نپال را گردآورده و سعی کرده این مسئله را از دیدگاه بازار تحلیل کند. اودی می‌نویسد: «خروج قاچاقی دختران غیرقانونی است و تحمیل روسپیگری به زنان، کاری غیرانسانی می‌باشد که ارزشهای معنوی جامعه نپال را به شدت تهدید می‌کند.»

مؤلف کتاب چنین نتیجه می‌گیرد که: «تمام کشور نپال از عواقب تجارت دختران و در نتیجه سقوط ارزشهای معنوی آسیب خواهد دید، مگر اینکه دولت سیاست جامع و کارآمدی برای مقابله با این مشکل در پیش گیرد.»

این گزارش رسماً در ۳۰ اوت ۱۹۹۳ در یک جلسه مشورتی روزنامه‌نگاران، مددکاران اجتماعی، کارشناسان حقوقی و دانشگاهی منتشر شد. جلسه مذکور برای بحث در مورد یافته‌های گزارش فوق تشکیل شده بود.

